

لذت خیانت

| بلاشو، دومان، بائتر | نصراله مرادیانی |

Betrayal's Felicity

| Nasrollah Moradiani | Blanchot, de Man, Butler |



فهرست

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۱۳	یادداشت مترجم
۱۹	ترجمه کردن / موریس بلاشو
۲۹	ترجمه ار / موریس بلاشو
۵۹	«تایح» «رسالت مترجم» والتر سیامین / پل دومان
۱۲۱	لدت حنات / خودیت ناتلر
۱۴۳	نمایه‌ی نام افراد و آثار
۱۴۹	نمایه‌ی موضوعی

ترحمه کردن

موريس بلاسو

آيا مي‌دايم چه قدر وامدار مترحمان و بيشتتر از آن ترحمه هستيم؟ بايد گفت نه، ما آگاهي كاملی از اين مسئله نداريم حتى هنگامی که به خاطر قدم بهادن متهورانه‌ی مترحمان به معمای رسالت مترحم، از آن‌ها سپاس‌گراريم، هنگامی که دورادور، به شانه‌ی احترام، برای اين استادان بی‌نام‌وشان فرهنگ‌مان دستی تکان می‌دهيم، درحالی که رهين لطف آن‌ها هستيم و به حد و جهد آن‌ها بيارمد، اين تأييد ما بی‌رمق و بهممی بهممی تحقيرآميز باقی می‌ماند — بايد هم اين‌گونه باشد، چون به هيچ‌روی يارای سپاس‌گراری از آن‌ها را نخواهيم داشت دربارهی بکاتی چند از مقاله‌ای نوشته‌ی والتر سيامين بحث خواهيم کرد که اين نويسنده‌ی توانا در آن پيرامون رسالت مترحم، اين شکل خاص فعاليت ادبی و اين شکل ناب صحت می‌کند، و اگر کسی در ادامه از شاعران، رمان‌نويسان و فی‌الواقع منتقدان و همه‌ی

کسانی که در ناب معنای ادبیات پاسحگو هستند نام نبرد، ناید همچین از مترحمان هم سخن به میان آورد — آنان که نادرترین نویسندگان اند و به واقع بی همتا^۱

ناید به حواسده یادآوری کم که ترجمه مدت‌ها در عرصه‌های مختلف فرهنگ و انمودی ناه کارانه تلقی می‌شد. برخی نمی‌خواهد کسی متنی را به زبان آن‌ها ترجمه کند، در مقابل، برخی دیگر نمی‌خواهد کسی از زبان‌شان ترجمه کند و لازم است مترحمان برای این حیات‌نحسگندونه معنای واقعی کلمه آن را تحقق بخشید، یعنی زبان حقیقی ملتی را به سررمیسی بیگانه منتقل کند (به یاد داشته‌باشیم اتئوکلس^۲ را که نایومیدی می‌گفت «سررمین مرا ویران نکید، سررمیسی در بند دشمنان، شهری که به زبان حقیقی یونانیان سخن می‌گوید») نای این حال، مترحم ناره هم محکوم به ارتکاب گناهی بس بزرگ است او، دشمن خدا، در حسست و حوی نارساری نرح نابل است و می‌خواهد به طرری عریب از آن کیر الهی که آدمیان را در آشفستگی زبان‌ها از یکدیگر خدا کرده است سود حوید در گذشته، این ناور و حود داشت که نارگشت به ربانی اصیل امکان‌پذیر است، ربانی متعالی

1 Walter Benjamin Oeuvres choisies translated from the Germany by Maurice de Gandillac (Denoel Les Lettres nouvelles series)

۲ اتئوکلس (Eteocles) فرزند اودس و نوکاسه اودس او و برادرس نولوبکس را نبرس کرد نایه دست هم کسه سوند اندا اتئوکلس برادر حود را کسب و سس حود به دست حاسس نولوبکس کسه سد

که در آن آعار سخن، همانا، بیان حقیقت بود سیامین این امید را در سر دارد او می‌گوید، هدف همه‌ی زبان‌ها بیان واقعیتی واحد است، ولی نایشویه‌ای متفاوت وقتی می‌گویم Brot و وقتی می‌گویم Pain، مقصودم یک چیز است نایشویه‌ی بیانی متفاوت هر ربانی به تنهایی ناکامل است ترجمه‌ای که یک شیوه‌ی بیان را حایگرین شیوه‌ی بیانی دیگر و سکی را حاشین سکی دیگر کند رصایت‌نحس بیست اشاره‌ی من به ربانی والا تر است، ربانی که نقطه‌ی هارمونی یا نقطه‌ی تکمیل‌کنده‌ی تمامی مقاصد متفاوت زبان‌ها است ربانی که در مرلی آرمانی قرار دارد و در آن رار زبان‌هایی حاتمه پیدا می‌کند که تمامی آثار ادبی به زبان آن‌ها بیان شده است در حقیقت، به ناور مسیحایی هر مترحم بستگی دارد که او به قصد سوق دادن زبان‌ها به سوی این زبان عایی ترجمه کند، تا هر آن‌چه زبان‌های مختلف از آیده در حود دارند را نمایان کند و هر آن‌چه را ترجمه می‌خواهد به دست آورد

ندون تردید بحث نالارا آیده‌هایی آرمانی شکل می‌دهد، چون تصور همگان این است که هر زبان فقط و فقط یک نحوه‌ی بیان مقصود و همیشه یک نحوه‌ی دلالت دارد و شیوه‌های بیان مقصود زبان‌ها حملگی می‌تواند تکمیل‌کنده‌ی یکدیگر باشد، در حالی که نیامین چیزی دیگر می‌گوید هر مترحمی در فصای تفاوت زبان‌ها می‌رید، به همین سیاق، هر ترجمه‌ای، حتی به‌هنگام ترجمه‌کردن، بر این تفاوت